



# بررسی و تبیین صور شرکت در قتل و فروع آن در فقه و قانون مجازات اسلامی

دکتر محمد صالح ولیدی

(دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مرکز)

## قسمت اول

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران، دگرگونیهای عمیقی در ساختار قوانین جزایی مربوط به رژیم مشروطه سلطنتی که عمدتاً از قوانین جزایی کشورهای اروپایی بویژه کشور فرانسه اقتباس شده بود، ایجاد شده است. در این مدت، سعی بر این بوده است که کلیه قوانین ناظر به امور اجتماعی، اداری، سیاسی و قضایی و غیر اینها بر مدار فقه اسلامی قرار گیرد. در این راستا، در زمینه امر قضا و دادگستری، در پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی و احیای حقوق عامه و استقرار و گسترش عدل و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای حدود و قصاص، و سایر مقررات جزایی اسلامی، به تدریج قدمهای مهم و مؤثری در جهت تطبیق سیستم قضایی موجود در کشور ما با قوانین و احکام شریعت اسلام برداشته شده است. از جمله این اقدامات، تصویب قانون مجازات اسلامی آزمایشی سالهای ۱۳۶۱ و اصلاحی آن در سال ۱۳۶۷ مصوب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس

شورای اسلامی است. در ارتباط با موضوع این مقاله، در بررسی مقررات این قانون ملاحظه می شود که قانونگذار در فصل سوم از باب اول، کتاب سوم این مجموعه احکام، شرکت در قتل و فروع آن را با تأسی و تبعیت از موازین فقهی و نظریات مشاهیر فقها در مواد (۲۱۲ تا ۲۱۹) تدوین و پیش بینی و برقرار کرده است. با این وجود، نظر به این که به تجربه ثابت شده است که نیاز نظام جزایی جامعه که معمولاً بر اثر تحولات اجتماعی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی و اجرای عدالت و سایر اهداف حقوق کیفری وضع و برقرار می گردد، علی رغم تمام تلاشی که در جریان تدوین و تصویب آن از طرف قانونگذار معمول می گردد، غالباً جلوه گاه قسمتی از حقایق و پدیده های کیفری مربوط به زندگی اجتماعی است و به تنهایی تمام راه حل های قضایی مربوط به مسائل پیچیده حیات جمعی، از قبیل شرکت در قتل و فروع آن را به حد کمال ندارد. بدین لحاظ، بررسی و تبیین احکام شرکت

در قتل و صور مختلف آن به شرح مندرج در فصل سوم کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی، با استشهاد از منابع فقهی و نظریات مشاهیر فقها، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. همچنین مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قاضی مأمور اجرای قانون مجازات اسلامی مکلف است که در جریان رسیدگی و تعقیب هر جرمی، حکم آن را براساس مقررات قانونی و عنداللزوم فتاوی معتبر استنباط نماید و این توفیق در اجرای عدالت و احقاق حقوق عامه و صدور حکم به مجازات درباره مجرمین، جز در سایه اشرف و آگاهی به مبانی و نظریات فقهی حاصل نخواهد شد. در این راستا و در این نوشتار، برای رفع مشکلات ناشی از اجرای مقررات مدون مندرج در مواد (۲۱۲) تا (۲۱۹) قانون مزبور، ناظر به احکام شرکت در قتل و فروع آن سعی بر این است که در حد امکان موارد شرکت در قتل و صور آن با استناد به موازین فقهی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مقدمه:

از نظر حقوق کیفری، مسئولیت جزایی هر کسی زمانی مطرح می‌گردد که مرتکب جرمی شده باشد و در مسئله قتل نیز که از موجبات ضمان است، قاتل به کسی اطلاق می‌گردد که با انجام کاری به قصد کشتن دیگری عملیات مادی قتل را به اتمام رسانیده و در عمل سبب قتل شود.

اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که در بررسی صحنه‌های قتل برای تشخیص رابطه مجرمانه بین قاتل و فعل ارتكابی او صور مختلفی را می‌توان مدنظر قرار داد.

گاهی شخص واحدی مرتکب قتل شخص معینی می‌گردد، و غالباً قتل‌ها به صورت وحدت جرم و وحدت مرتکب صورت می‌گیرد. ولی در بعضی از موارد، در ارتكاب قتل ممکن است بجز مباشر اصلی قتل، اشخاص متعدد با یاری و کمک یکدیگر مرتکب قتل دیگری شوند به نحوی که دو یا چند نفر با علم و اطلاع از قصد سوء یکدیگر در کشتن شخص معینی مداخله نمایند و قتل مستند به عمل همه آنها باشد. در این مورد، تعدد مرتکبین و مداخله کنندگان در قتل بیش از یک نفر و متعدد هستند ولی مقتول شخص واحد است، اما قاتل در بین آنها معلوم نیست. وجه دیگری از شرکت در قتل از نظر عامه مردم، عبارت است از این که شخصی با علم و اطلاع از قصد مباشر اصلی قتل، او را به طور غیرمستقیم یاری و کمک می‌کند و وجدان عمومی، هر دو نفر را که به طور مستقیم و غیرمستقیم در وقوع قتل مداخله کرده‌اند، شریک در قتل می‌شناسد.

و بالاخره هرگاه عده‌ای با علم و اطلاع از قصد دیگری در کشتن ثالثی در عملیات اجرایی قتل به طور مستقیم شرکت کنند و قتل مستند به عمل همه آنها باشد، اعم از این که

تأثیر دخالت آنها در وقوع قتل کم باشد و یا زیاد، مشمول حکم شرکت در قتل شناخته می‌شوند.

بحث و بررسی هر یک از مفاهیم یاد شده درباره شرکت در قتل که یکی از مباحث دقیق و مشکل حقوق کیفری است و در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران این موارد زیر عنوانین (شرکت در قتل)<sup>(۱)</sup> (تسبیب در جنایت)<sup>(۲)</sup> و (شرکا و معاونین جرم)<sup>(۳)</sup> در قانون مجازات اسلامی قانونگذاری شده است.

از طرف دیگر، در بررسی مقررات مدون قانون مجازات اسلامی ناظر به کلیه جرایم و مجازات‌های اسلامی به شرح مندرج در کتب پنجگانه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، ملاحظه می‌شود که این مقررات از حیث رعایت اصول و ضوابط حاکم بر جرایم و مجازات‌های اسلامی براساس منابع و موازین فقهی تدوین و برقرار شده است؛ اما برخی از نهادها و اصطلاحات حقوقی به کار رفته در این قانون از قبیل معاونت، تعدد، تکرار، تعلیق اجرای مجازات‌ها و غیر اینها متأثر از منابع حقوق جزای عرفی است، به طوری که در برخی از موارد قانونگذار ضمن تبعیت کامل از ضوابط فقهی، در برقراری مقررات قانون مجازات اسلامی، نیم‌نگاهی هم به بعضی از اصطلاحات و نهادهای حقوق جزای عرفی نیز کرده است.

چنان که در کتاب قصاص در باب احکام قتل و انواع آن در کنار حکم شرعی قصاص با استفاده از اصطلاح معاونت در قتل، مجازات تعزیری برای معاون در قتل عمدی پیش‌بینی و برقرار شده است.<sup>(۴)</sup> و همین طور در کتاب حدود نیز در کنار حکم حد سرق برای سارق، مجازات تعزیری برای معاون در سرقه موجب حد پیش‌بینی و برقرار شده است.<sup>(۵)</sup> با امعان نظر در مقررات یاد شده و به طور

کلی نظر به وجوه افتراق ضابطه تشخیص شرکت در قتل و مجازات آن با معیارها و ضوابط تشخیص معاونت در حقوق جزای عرفی و همین طور، نظر به این که رعایت تساوی در مجازات در بین کسانی که در قتل عمدی شرکت کرده‌اند، در نظام اسلامی شرطش آن است که عمل هر یک از شرکا در عنصر مادی و عملیات اجرایی قتل تأثیر داشته باشد و قتل انجام یافته به نحوی باشد که قاتل اصلی در بین آنها شناخته و معلوم نگردد؛ در آن صورت، ولی دم با رد تفاضل دیه به شرکای در قتل، اجرای قصاص را در مورد آنها بتواند به مرحله اجرا بگذارد.

بحث و بررسی در این مسئله و تبیین ضوابط آن، که یکی از مسائل مهم و حساس حقوق کیفری اسلامی است، موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.

مبحث اول

کلیات

گفتار اول - تعریف شرکت در قتل

یکی از مسائل مهم و دقیق حقوق کیفری، مسئله تشخیص تأثیر عملیات شرکا در قتل است. بدین معنا که آیا باید میزان تأثیر عمل شرکا در وقوع قتل به یک اندازه و مساوی باشد؟ و یا این که مساوی بودن عمل شرکا شرط تحقق شرکت نیست، بلکه آنچه مهم است مداخله مستقیم کم یا زیاد هر یک از شرکا در اجرای عملیات منتهی به قتل است؟ و یا این که کسی که به همراه چند نفر دیگر محرک دیگران در قتل باشد، شریک در قتل محسوب می‌شود یا خیر؟

در مقابل پرسش‌های فوق، نسبت به این نهاد حقوقی دیدگاه حقوقدانان کیفری و مشاهیر فقها و برداشت عامه مردم متفاوت است، که در اینجا به اختصار آنها را مورد بحث قرار می‌دهیم.

عامه مردم برای شرکت در قتل مفهوم گسترده‌ای قائل هستند به طوری که هرگونه مداخله مادی یا معنوی دو یا چند نفر را حتی در مرحله تهیه مقدمات قتل و بدون دخالت مستقیم در ایراد صدمات وارده به مقتول نیز مشمول شرکت در قتل محسوب می‌نمایند؛ و از این حیث کسی که به همراه چند نفر دیگر در نقش فاعل معنوی و مرتکب فکری، دیگران را تحریک به قتل ثالثی می‌نماید، فرقی قائل نشده و همه کسانی را که در عملیات اجرایی قتل مداخله کرده و همچنین سایر افرادی که وسایل ارتکاب قتل را به طور غیرمستقیم فراهم می‌نمایند، شریک در قتل می‌شناسند. بدیهی است مفهوم عرفی شرکت در قتل چون مفهوم واضح و روشنی نیست نمی‌تواند معنای دقیق حقوقی شرکت در قتل محسوب گردد.

بدین لحاظ مفهوم شرکت در قتل از نظر قوانین جزایی با برداشت عامه مردم از این مفهوم متفاوت می‌باشد؛ زیرا حقوقدانان و اساتید حقوق کیفری برای تشخیص میزان مسئولیت کیفری مداخله کنندگان در قتل، بین اقدامات کسانی که به همراه دو یا چند نفر دیگر در تهیه مقدمات قتل شخص ثالثی و یا تسهیل زمینه وقوع قتل به طور غیرمستقیم و مساعدت در قتل نسبت به اقدامات سایر اشخاصی که به طور مستقیم عملیات اجرایی قتل را به انجام می‌رسانند، قائل به فرق شده‌اند. به طوری که بعضی از این فعالیت‌های مجرمانه را زیر عنوان (معاونت در قتل) و بعضی دیگر را تحت عنوان (شرکت در قتل) تقسیم بندی و مورد بحث و تحلیل قرار داده‌اند. (۶)

به طور خلاصه، شرکت در قتل در مفهوم حقوق کیفری آن، شامل اعمال کلیه کسانی است که با علم و اطلاع از ماهیت عمل ارتكابی یکدیگر، جزیی از عملیات اجرایی قتل

را با همکاری هم به طور مستقیم مرتکب می‌شوند، صرفنظر از میزان تأثیر مداخله و تأثیر عمل آنها در وقوع قتل، اعم از این که تأثیر دخالت هر یک از مشارکت‌کنندگان در وقوع قتل کم باشد یا زیاد یا مساوی باشد، همه آنها به عنوان شرکت در قتل مسئول و قابل مجازات خواهند بود و در حقیقت، مثل این است که هر یک از آنها قسمتی از عملیات مادی قتل را به انجام رسانیده و عملیات آنها روی هم موجب قتل شده است.

اما این تعریف باتوجه به مطالبی که در مبحث مربوط به سابقه تقنینی احکام شرکت در ایران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خواهد آمد، نمی‌تواند از نظر فقهی معنای دقیق شرکت در قتل موجب قصاص محسوب گردد. به دلیل این که اصطلاح شرکت در قتل در نظام کیفری اسلام تعبیری است که فقها در کتاب قصاص آن را تحت عنوان (مسائل من الاشتراک) مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند، چنان که شهید اول در کتاب قصاص در بحث راجع به مراتب تسبیب و فروع شرکت در قتل با استناد به روایت فضیل بن یسار از امام باقر (ع)، در خصوص شرکت در قتل تعبیری بدین نحو ذکر کرده‌اند: «اگر عده‌ای مشترکاً فردی را به طور دسته جمعی بکشند، قاتلین همه قصاص می‌شوند مشروط به این که ولی دم تفاضل دیه آنها را پرداخت نماید». (۷)

به علاوه، در مسئله تأثیر عمل شرکا در قتل که حکم قصاص در مورد شرکا جاری می‌گردد، فتاوی‌ای مشاهیر فقها این است که میزان مداخله شرکا در قتل شرط نیست و در این مسئله فقها اختلاف نظر ندارند؛ زیرا آنچه مهم است این است که چند نفر در ایراد صدمه منتهی به مرگ شرکت کرده باشند و این موضوع را فقیه عالیقدر، محقق حلی در

شرایع، در کتاب قصاص بدین نحو بیان کرده است: «ولا یعتبر التساوی فی الجنایة بل لو جرحه واحد جرحاً و الاخر مئة جرح ثم سری الجمیع فالجنایة علیهما بالسویة. و لو طلب الدیة کانت علیهما نصفین.»

بنابراین، اگر دو نفر به قصد قتل، ضرباتی به شخصی وارد نمودند، اگر یک نفر از آنان صد ضربه و دیگری فقط یک ضربه بزند و این ضربات موجب عفونت یا خونریزی شدید شده و منجر به قتل آن شخص گردد، جنایت بالسویة برعهده هر دو نفر است؛ یعنی ولی دم می‌تواند باردفاضل دیه، هر دو را قصاص کند و یا از هر یک نصف دیه را بگیرد و نمی‌تواند از شخصی که صد ضربه زده سهم بیشتری مطالبه کند.

شایان ذکر است، مرحوم صاحب جواهر در ذیل عبارت محقق، جمله‌ای بدین نحو افزوده است: «حتی تساوی در جنس و نوع جنایت نیز لازم نیست پس اگر فردی جراحت از نوع جانفکه که آن جراحتی است که از گوشت و پوست و استخوان عبور کرده و وارد جوف بدن می‌شود، وارد کند و دیگری جراحتی که استخوان سر را شکافته و به مغز سر برسد وارد نماید در حکم تفاوتی ندارد، با این که تأثیر این دو تأثیر مشابهی نیست.» (۸)

و در مجموع، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استاد بزرگوار، در ذیل نظریه این بزرگان چنین اظهار نظر نموده‌اند:

«پس معلوم می‌شود که نوع و جنس جنایت چه متوالیاً و چه با فاصله صورت گیرد در حکم مسئله اختلافی ایجاد نمی‌کند آنچه که مهم است آن است که شرکت در قتل صدق کند.»

در بررسی محتوای فتاوی‌ای صاحب‌نظران در بیان حکم این فرع، از تأثیر عمل شرکا در قتل که تسویه بین ایراد ضربات وارده از ناحیه مرتکبین به مقتول شرط نیست، این نتیجه

به دست می آید که این بزرگان، سه ضابطه برای تشخیص شرکت در قتل موجب قصاص قائل شده اند.

اولاً: برای این که بتوان مرتکبین را به عنوان شریک در قتل قابل مجازات دانست، لازم است که مرتکبین در حین ایراد جرح نسبت به مجروح از ماهیت عمل ممنوع و حرام خود مطلع و آگاه بوده باشند.

ثانیاً: مرتکبین در انجام عملیات اجرایی، یعنی ایراد جرح نسبت به مجروح به صورت متوالی یا متناوب دخالت کرده باشند.

ثالثاً: اجرای مجازات قصاص درباره هر دو نفر آنها منوط به این است که ولی دم با رد فاضل دیه درخواست قصاص نفس آنها را بنماید.

اینک با توجه به سخنان فقها و مندرجات مواد (۲۱۴) و (۲۱۵) قانون مجازات اسلامی و در نظر گرفتن مفهوم حقوقی عملیاتی که عده ای مشترکاً و مجتمعاً و به طور مستقیم نسبت به مجنی علیه مرتکب می شوند و قتل ناشی از فعل همه آنها باشد، در تعریف شرکت در قتل می توان گفت: شرکت در قتل عبارت است از: همکاری مؤثر و مستقیم و آگاهانه دو یا چند نفر در کشتن دیگری به طوری که عمل هر یک از مرتکبین در وقوع قتل جزئی از اجرای عنصر مادی قتل باشد و قاتل در بین آنها معلوم نیست، اعم از این که میزان تأثیر عملیات مادی هر یک از آنها در وقوع قتل کم یا زیاد یا مساوی باشد.

**گفتار دوم - سابقه تقنینی شرکت در قتل در ایران**

سوابق مربوط به مقررات قانونی، شرکت در قتل در حقوق کیفری ایران را نخست در قانون مجازات عمومی سابق و سپس در مقررات قانون مجازات اسلامی لاحق به اختصار مورد بحث قرار می دهیم.

۱- احکام شرکت در قتل در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در قانون جزای ایران که متأثر از قانون جزای فرانسه بود در خصوص تأثیر عملیات افراد متعددی که در قتل دیگری همکاری و مشارکت داشته باشند در ماده (۲۷) قانون مجازات عمومی چنین مقرر شده بود: «هرکس با علم و اطلاع با شخص یا اشخاص دیگر در انجام عملیات اجرایی تشکیل دهنده جرمی مشارکت و همکاری کند شریک در جرم شناخته می شود.»

برطبق مندرجات این ماده، برای تشخیص شرکت در قتل، قانونگذار دو ضابطه و معیار را قائل شده بود:

۱- علم و اطلاع مرتکبین از ماهیت عمل مجرمانه خود که برای کشتن دیگری به انجام می رسانند.

۲- همکاری و مشارکت آنها با یکدیگر به صورت انجام عملیات معینی برای کشتن دیگری.

به علاوه، قانونگذار حکم شرکت در قتل های غیر عمدی را نیز در ذیل این ماده بدین نحو پیش بینی کرده بود.

«... در مورد جرایم غیر عمدی که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود.»

براین اساس، قانونگذار شرکت در جرایم غیر عمدی را نیز پذیرفته بود، اما ماهیت حقوقی آن ناشی از خطای دو یا چند نفر در کشتن دیگری به صورت بی احتیاطی یا بی مبالاتی بوده است.

به علاوه، مجازات شرکت در قتل عمدی و غیر عمدی مجازات فاعل مستقل قتل بود. و در مواردی که تأثیر مداخله شریکی در خصوص جرم ضعیف بود، دادگاه مجازات او را

به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می داد؛ ولی کسانی که اداره و رهبری عملیات مجرمانه قتل را به عهده می گرفتند و در حقیقت وسیله تحقق قتل می شدند، به موجب ماده (۳۰) قانون مزبور، به حداکثر مجازات قتل (اعدام) محکوم می شدند.

از طرف دیگر، همکاری عده ای غیر مشخص در ارتکاب قتل دیگری به نحوی که قاتل اصلی در بین آنها معین و مشخص نباشد و قتل در حین منازعه که چند نفر در آن مشارکت داشته باشند، صورت گرفته باشد، به موجب ماده (۱۷۵) قانون مجازات عمومی سابق، هر یک از آنها در صورت وقوع قتل به یک الی سه سال حبس محکوم می شدند. ولی هرگاه قتل در شرایطی غیرمنزاعه صورت گرفته باشد، به طوری که دو یا چند نفر در وقوع قتل دخالت نمایند بدون این که معلوم گردد که مرتکب اصلی قتل کدام یکی از آنها است، هر یک از مداخله کنندگان در قتل به سه الی ده سال حبس محکوم می شدند. برقراری این مجازات در مورد مرتکبین و مداخله کنندگان در قتل به دلیل آن است که مرتکبین قتل منجزاً شناخته نمی شوند در نتیجه، مجازاتی برای آنها در نظر گرفته شده که از مجازات شرکا در قتل که مطابق ماده (۲۷) قانون مجازات عمومی باید مجازات هر یک از آنها مجازات فاعل مستقل قتل باشد، به مراتب کمتر بود.

۲- احکام شرکت در قتل در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس شورای اسلامی، اقداماتی در زمینه نسخ و تصویب قوانین جزایی بر مدار موازین فقه اسلامی به عمل آمد، و کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی با رعایت اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،

به مسئله قضا و دادرسی بر اساس موازین فقهی در پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و ضوابط دقیق دینی قدمهای مؤثری برداشته است؛ از آن جمله می توان تصویب قانون مجازات اسلامی در زمینه احکام قتل را ذکر نمود.

در بررسی مقررات این قانون ملاحظه می شود که نویسندگان قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، مقررات ناظر به مشارکت در ارتکاب «جرائم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده» را به طور مطلق و به عنوان یک قاعده کلی در فصل دوم از باب سوم از کتاب اول این قانون، زیر عنوان «شرکا و معاونین جرم» در ماده (۴۲) بدین نحو برقرار و تصویب کرده اند: «هرکس عالماً و عامداً با اشخاص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد و خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود و در مورد جرائم غیر عمدی (خطایی) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد، مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود». به طوری که ملاحظه می شود، قانونگذار برای تشخیص شرکت در جرائم قابل تعزیر یا دارای مجازاتهای بازدارنده مانند حکم ماده (۲۷) قانون مجازات عمومی سابق، معیار دوگانه علم و اطلاع مرتکبین از ماهیت عمل مجرمانه ای که در آن مشارکت می کنند و همین طور مستند بودن بر ارتکاب جرم به عملیات همه شرکت کنندگان را مدنظر قرار داده است و همین طور، مجازات شرکت در

جرائم قابل تعزیر را برای هر یک از شرکت کنندگان مجازات فاعل مستقل قرار داده است و در قسمت نهایی ماده مزبور، این حکم را نسبت به مشارکت دو نفر یا بیشتر افراد در وقوع جرائم غیر عمدی که ناشی از خطای آنها باشد نیز تعمیم داده است.

اما احکام شرکت در سایر جرائم مشمول حدود و قصاص و دیات را به شیوه متداول در مباحث فقهی در هر مورد در کتاب حدود و قصاص و دیات در خصوص هر موضوع و عملیات مجرمانه مربوط، مورد به مورد و به تفکیک در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار داده است. و در موضوع مورد بحث، در راستای این شیوه، احکام شرکت در قتل را در فصل سوم از باب اول (کتاب قصاص) در مواد (۲۱۲) تا (۲۱۹) پیش بینی و برقرار کرده است. برطبق آن، تحقق مشارکت در قتل توسط دو یا چند نفر را در مواد (۲۱۴) و (۲۱۵) مشروط به شرایط خاصی نموده است که به موجب آن «شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت.»

به علاوه، مجازات شرکت در قتل به موجب ماده (۲۱۲)، قصاص نفس است و هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد، و به همین نسبت در افراد بیشتر و در تبصره های این ماده و سایر مواد این فصل ضوابط خاصی را در زمینه شرکت در

قتل پیش بینی و برقرار کرده است و این مقررات در حال حاضر ملاک صدور حکم دادگاهها و دیوان عالی کشور در رسیدگی به پرونده های مشارکت در قتل عمدی قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب که ذکر شد، مقررات فصل دوم از باب سوم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی و همین طور مقررات فصل سوم از باب اول کتاب سوم قصاص، روی هم منابع قانونی مشارکت در جرائم قابل تعزیر و مجازاتهای بازدارنده و شرکت در قتل موجب قصاص، محسوب می گردد. (۹)

ادامه دارد

پی نوشتها:

- ۱ - نگاه کنید به: مقررات فصل سوم از باب اول کتاب قصاص به شرح مواد (۲۱۲) تا (۲۱۹) قانون مجازات اسلامی. ۱۳۷۰.
- ۲ - نگاه کنید به: مقررات جزایی، باب هفتم در کتاب دیات به شرح مواد (۳۴۰) تا (۳۶۷) قانون مجازات اسلامی. ۱۳۷۰.
- ۳ - نگاه کنید به: مقررات جزایی فصل دوم از باب سوم کتاب اول، مواد عمومی از ماده (۴۲) تا (۴۶) قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۴ - به موجب ماده (۲۰۷) قانون مجازات اسلامی، هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا پانزده سال حبس محکوم می شود.
- ۵ - به موجب تبصره ۲۰ از ماده (۲۰۱) قانون مجازات اسلامی ناظر به حد سرقه، معاون در سرقه موضوع ماده (۱۹۸) این قانون به یکسال تا سه سال حبس محکوم می شود.
- ۶ - نگاه کنید به: جلد سوم کتاب حقوق جزای عمومی، دفتر دوم، صفحات ۲۳۰ الی ۲۳۵، نوشته محمد صالح ولیدی، ناشر نشر داد، سال ۱۳۷۵، چاپ سوم.
- ۷ - شمس الدین محمد ابن حامد مشهور به شهید اول، کتاب لمعة الدمشقیه، ص ۲۶۸، ناشر مؤسسه فقه الشیعه بیروت - لبنان، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۸ - تقریرات حضرت آیت الله خامنه ای در درس خارج فقه در جلسه هشتاد و دوم مورخ ۷۹/۷/۱۸ صص ۱ و ۲.
- ۹ - برای اطلاع بیشتر در این باره به کتاب حقوق جزای اختصاصی، ج دوم، جرائم علیه اشخاص، نوشته دکتر محمد صالح ولیدی، صص ۸۵ الی ۹۳، چ پنجم، ناشر انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۶ مراجعه فرمایید.